

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

اشرف حمیدی^۲

شادی نفیسی^۳

محسن احتشامی نیا^۴

DOI: 10.30497/esi.2024.245441.1701



چکیده

پژوهش حاضر با هدف کلی ارائه الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول انجام شد. پژوهش از حیث هدف، اکتشافی و کاربردی و از حیث گردآوری داده‌ها و چارچوب حاکم بر فضای آن، کیفی محسوب می‌شود که برپایه رهیافت نظام‌مند اشتراوس و کوربین در روش داده‌بنیاد انجام شد. در زمینه مطالعات اسنادی، از امکان حداکثری و در دسترس بودن پژوهش‌ها، مطالعات، مقالات و کتاب‌های مرتبط به گونه‌ای هدفمند استفاده شد؛ و از بین صاحب‌نظران، متخصصان و صاحبان تجربه در زمینه تعلیم و تربیت، تعدادی به روش نمونه‌گیری هدفمند، نظری و گلوله برفی شناسایی، انتخاب و بر پایه قاعده اشباع نظری با عنوان اطلاع‌رسان در این پژوهش، مشارکت داده شدند. از ابزار مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. متن مصاحبه‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و مفهوم‌پردازی دلالتی لازم انجام پذیرفت که در نتیجه، تعداد ۴۰۶ جمله کلیدی، ۳۰ خرده‌مقوله، ۴۰ بعد یا مقوله فرعی و ۲۰ مقوله اصلی به دست آمد و الگو ارائه شد. پژوهش حاضر نشان داد که اگر نگرش افراد نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی از سنین پایین‌تر به‌ویژه در دوره حساس نوجوانی، به‌گونه‌ای مناسب، مثبت و کارآمد شکل گیرد، احتمال انتخاب این نوع از سبک زندگی در دوره‌های سنی بعدی و میزان پایبندی به آن نیز بالا خواهد بود؛ به همین منظور، شرکای تربیتی در امر تربیت دینی بایستی در برنامه‌ریزی و فعالیت‌ها با آموزش و پرورش همسو و هم‌افزا باشند.

واژگان کلیدی: ایجاد نگرش، تغییر نگرش، سبک زندگی، سبک زندگی ایمانی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی با عنوان «طراحی و اعتباربخشی الگوی ایجاد نگرش مناسب به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» است.

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hamidi2018a@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). shadinafisi@ut.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

m.ehteshaminia@yahoo.com

بیان مسئله

دوره سنی نوجوانی از دیدگاه صاحب نظران علم روان‌شناسی و شاخه‌های آن (به‌ویژه دو شاخه تربیتی و اجتماعی)، که دوره‌ای حساس و حائز اهمیت است، مورد توجه ویژه است (حسینی‌نسب، ۱۳۷۶، صص ۵۶-۴۱). برخی این دوره سنی را دوره شکل‌گیری نگرش‌ها و هویت‌یابی دانسته‌اند. با ورود به دوره نوجوانی، فرد با تغییراتی بنیادی و اساسی در زمینه جسمی و روانی روبه‌رو می‌شود. زمینه ژنتیکی و عوامل محیطی و اجتماعی که نوجوان با آن‌ها مواجه است، منشاء این تغییرات شناخته شده است. خانواده، مدرسه و گروه همسالان از جمله عواملی هستند که در ایجاد این تغییرات بهنجار و ناهنجار تأثیرگذارند و نقش‌آفرینی می‌کنند؛ بنابراین، مناسبات و برخورد ناصحیح خانواده، مدرسه و همسالان و تغییرات جسمی و روانی نوجوان، به‌ویژه با اثرگذاری بر فرایند شکل‌گیری نگرش‌ها، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات و اختلالات در این دوره و دوره‌های بعدی زندگی خواهد بود (طاهرزاده و سایه‌میری، ۱۴۰۰، ص ۱).

مادیگان^۱ نگرش را مهم‌تر از دانش و مهارت فرد می‌داند و عقیده دارد که این نگرش است که رفتار فرد را هدایت می‌کند و بر سازگاری‌های اجتماعی او تأثیر دارد و فرد را به راه سازندگی یا انحراف هدایت می‌کند (شیرکوند، ۱۳۸۳، ص ۱۶). ورما^۲ نگرش را از باورهایی متشکل می‌داند که در بازه زمانی مشخص و در یک موقعیت فرهنگی-اجتماعی خاص در موضوعی معین، رشد یافته‌اند و هرچند که لزوماً تعیین‌کننده رفتار نیست، اما بر آن تأثیر قابل توجهی دارد (Verma, 2008, p. 6).

امروزه نمونه‌های توسعه‌یافته مدل «ارزش-نگرش-رفتار»^۳ فهم و بصیرت پیش‌بینی‌کننده‌ای درباره رفتار فراهم می‌سازد (Kim & Hall & Kwon & Sohn, p. 2024). در یک رویکرد، نگرش، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری در نظر گرفته شده است که عنصر شناختی^۴ آن را باورها، ارزش‌ها و اطلاعات مرتبط با هدف شناخته‌شده فرد، شکل می‌دهد. عنصر عاطفی^۵ شامل احساس‌ها و عواطف درباره هدف، فکر، رخداد،

-
1. Madigan.
 2. Verma, M, H.
 3. Value-Attitude-Behavior Model.
 4. Cognitive.
 5. Feeling or Affective or Emotional.

شیء و یک موقعیت است. عنصر رفتاری^۱ نیز به نیت مرتبط با رفتار معین، برمی گردد (رضائیان، ۱۳۹۵، ص ۲۰۲). شیفمن و کانوک^۲ (2004) این سه عنصر را تحت عنوان مدل CAC یا مدل سه بخشی نگرش^۳ طراحی و ارائه داده اند (Jain, 2014, p.5). هرنگرش یک موضوع را دربرمی گیرد. نگرش ها به طور معمول، ارزشیابانه هستند و از ثبات و دوام قابل توجهی برخوردارند. جهت (مثبت یا منفی بودن)، نیرومندی یا شدت (میزان و درجه جهت در هر سه سطح نگرش) و درجه پیچیدگی^۴ یا تکثر (محدود و سادگی یا جامع و گسترده نگرش در هر سه سطح آن) نیز از دیگر مشخصه های نگرش به حساب می آیند. ترکیب جهت و نیرومندی والانس^۵ نامیده شده است. از بین عناصر سه گانه، عنصر «عاطفی» یا «احساسی» و از بین ویژگی ها، خصوصیت «ارزشیابانه بودن» مهم ترین مؤلفه های نگرش را تشکیل می دهند (کریمی، ۱۳۷۹، صص ۱۴-۱۲).

روانشناسان اجتماعی مؤلفه های متعددی را در شکل گیری نگرش نقش آفرین می دانند که باورها، تجربیات و محیط از مهم ترین آن ها شناسایی شده اند (کریمی، ۱۳۷۹، صص ۴۹-۴۷؛ یوسفی و تجربه کار، ۱۳۹۵، ص ۶). نتایج بسیاری از پژوهش ها بر نقش آموزش، تربیت و یادگیری در ایجاد و یا تغییر نگرش ها صحه گذاشته اند. مرکز پژوهشی مشترک کمیسیون خدمات علم و معرفت اروپا در گزارش خود، نقش آموزش در ایجاد نگرش مثبت نسبت به موضوع مهاجرت و مهاجران در اروپا را تأیید کرده است (Borgonovi & Pokropek, 2018, p. 2).

برخی تغییر نگرش را از ایجاد نگرش متمایز می دانند و به پیدایش و یا شکل گیری نگرش جدید، تغییر نگرش را اطلاق کرده اند. بُهنر^۶ (2010) اظهار می دارد که وقتی فرد تغییر نگرش می دهد، نگرش تغییر یافته محو و نابود نمی شود، بلکه در ذهن باقی می ماند (عرب نژاد خانوکی، ۱۳۹۷، ص ۲۲). از دیدگاه ریچارد^۷ (2006) نگرش های قدیمی می توانند در حافظه باقی بمانند و رفتارهای بعدی را تحت تأثیر قرار دهند؛ بنابراین

1. Action Tendency or Behavioral.
2. Schiffman, L, G & Kanu Schiffman k, L, L.
3. Cognitive – Affective – Conative Model.
4. Multiplexity.
5. Valence.
6. Bohner, G.
7. Richard, E.

نگرش‌هایی که برای اولین بار شکل می‌گیرند، ثبات و پایداری بیشتری خواهند داشت، اما تثبیت نگرش‌هایی که تغییر می‌یابند، نیاز به تلاش بیشتر و سخت‌تری دارد. نظریه‌های متعددی در زمینه ایجاد و تغییر نگرش (یا رفتار) مطرح و دسته‌بندی شده‌اند که نظریه شرطی‌سازی کلاسیک، نظریه شرطی‌سازی کنش‌گر، نظریه ناهماهنگی شناختی، مدل هاوولد^۱ و مدل پذیرش فناوری از جمله آن‌ها به‌شمار می‌روند. هاوولد (1953) در مدل خود (یادگیری و ایجاد یا تغییر نگرش) به‌طور مشخص فرض را بر این می‌گیرد که نگرش‌ها نیز به مانند سایر عادت‌ها، اکتسابی هستند. این به این معناست که فرایندهای اساسی یادگیری می‌تواند در شکل‌دهی به نگرش‌ها به‌کار رود (اسدی مله‌خان و حسینی پاکدهی، ۱۳۹۴، ص ۳۶). مدل پذیرش فناوری (ادراک سودمندی و ایجاد یا تغییر نگرش) که از بنیادی‌ترین و نافذترین نظریه‌های رفتار انسانی است، توسط دیویس^۲ (1989) مطرح شد و درباره چرایی پذیرش یا امتناع کاربران از یک فناوری خاص، بحث می‌کند (حبیبی، محمودی و منصورزاده، ۱۳۹۵، ص ۳۵۹). این مدل برای پیش‌بینی سطح وسیعی از رفتارها به‌کار می‌رود و مفهوم پذیرش در آن، یک پدیده چندبعدی است که مجموعه وسیعی از متغیرهای کلیدی مانند ادراک‌ها، باورها و نگرش‌ها را دربرمی‌گیرد (قنبری و کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱).

در دهه‌های اخیر با ورود مفهوم و موضوع سبک زندگی به جامعه و ادبیات علمی کشور، محققان ایرانی با هدف تبیین حدود و ثغور و معرفی روش و یا سبک ویژه‌ای از زندگی، بر محتوای بلند و جامع مضامین قرآن و سیره عملی حضرات معصومین (علیهم السلام) متمرکز بوده و هستند و در همین راستا، نتایج یافته‌های خود را ذیل عناوینی چون «سبک زندگی اسلامی»؛ «سبک زندگی قرآنی» و «سبک زندگی ایمانی» ارائه داشته‌اند. برخی معتقدند مفهوم سبک زندگی ابتدا توسط روان‌شناس اتریشی، آلفرد آدلر^۳ (1956)، مطرح شد و برخی آن را به جامعه‌شناس آلمانی، ماکس وبر^۴ (1968)، نسبت می‌دهند (جباران، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴)؛ بر همین اساس، در ارائه و بسط تعاریف از سبک زندگی دو رویکرد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه شناسایی و پی‌گیری شده است. رویکرد سومی هم با عنوان

-
1. Hovland, Carl.
 2. Davis.
 3. Adler, Alfred.
 4. Weber, Karl Emil Maximilian "Max".

رویکرد دین‌شناسانه به سبک زندگی، شناخته شده است که همان‌گونه که اشاره شد، در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در بین اندیشمندان مسلمان و همچنین کشورمان، مورد توجه قرار گرفته است. در رویکرد دین‌شناسانه به مفهوم سبک زندگی، این موضوع که دین چگونه و در چه مواردی می‌تواند با سبک زندگی پیوند داشته باشد و بر آن تأثیر بگذارد، مورد توجه است. در این چارچوب در تعریفی آمده است که سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته را شامل می‌شود که با تأثیر از باورها و ارزش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و وضعیت محیطی، وجه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

هنگامی که از نگرش به سبک زندگی سخن به میان می‌آید، جهت، شدت و پیچیدگی نگرش فرد نسبت به آن مد نظر قرار می‌گیرد. دیدگاه لارنس کلبِرگ^۱ (1987) باعنوان «استدلال اخلاقی» و قدری امروزی‌تر و مشهورتر باعنوان «فلسفه برای کودکان» در دیدگاه متیو لیپمن^۲ (1993) و همچنین دیدگاه رابرت استرنبرگ^۳ (2002) باعنوان «خردمندی» از آنجا که بر تربیت اخلاقی و آموزش خرد متمرکز بوده‌اند را می‌توان در راستای زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش در کودکان و نوجوانان، به‌ویژه نسبت به سبک زندگی، ارزیابی کرد. از نگاه برخی، پذیرش روش و سبک توصیه‌شده و مورد تأیید دین اسلام برای زندگی آدمی در مقام موجودی صاحب اراده و اختیار و گرایش او به عمل و رفتار بر پایه آن، بیش از هر عاملی به نوع نگرش انسان (مثبت یا منفی) در این زمینه بستگی دارد. برای مثال، نگرش مناسب و مثبت به دین اسلام که در حد تکامل‌یافته و اعلائی خود باعنوان نگرش توحیدی شناخته می‌شود، در تحول و تغییر سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان مؤثر است و می‌تواند برای کسب رضایت خداوند و دفع و رفع موانع کمال‌بسترسازی کند و سبب تحکیم روابط اجتماعی و رعایت حقوق دیگران در بعد اجتماعی شود و «حیات طیبه»^۴ را برای انسان به ارمغان آورد (نظری پشت‌کوهی و باقری، ۱۴۰۲، ص ۱). در همین راستا، کندوکاو درباره علل کم‌توجهی یا حتی بی‌توجهی اشخاص در بافتار فرهنگی ایران به

1. Kohlberg, Lawrence.

2. Lipman, Matthew.

3. Sternberg, Robert.

۴. این مفهوم در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد توجه بوده و ۱۲ بار تکرار شده است.

زندگی در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی و ایمانی و تلاش برای یافتن راهکارهای رفع موانع و یا به حداقل رساندن آثار آسیب‌زای آن‌ها، از زمره موضوعات حائز اهمیت به‌شمار می‌رود. شواهد عینی و گزارش‌های ارائه‌شده دربارهٔ جامعهٔ ایران تا زمان انجام این تحقیق از حیث پذیرش روش و سبک زندگی مورد تأیید و تأکید اسلام و گرایش به عمل و رفتار بر پایهٔ آن، به‌ویژه در کلان‌شهر تهران، با عنوان مرکز سیاسی کشور، حکایت از واقعیتی نه‌چندان مطلوب دارد؛ به‌این‌معنا که ما از حدِّ مورد انتظار یا همان وضعیت مطلوب، فاصلهٔ قابل‌تأملی داریم. براساس آنچه توصیف و تبیین شد، می‌توان اذعان داشت که این مشکل می‌تواند ناشی از این باشد که نگرشی منفی (نامناسب و ناکارآمد) در این زمینه در افراد شکل گرفته و احتمال اینکه شکل‌گیری نامناسب و ناکارآمد نگرش مذکور در نوجوانی افراد، رخ داده باشد، بالاست.

آموزه‌های دین اسلام نگرش آدمی را به خدا، دین و زندگی مؤمنانه در دو سطح، شناسایی و معرفی می‌کند. از منظر اسلام، سطحی از نگرش به خدا، دین و زندگی ریشه در مفهوم دینی فطرت دارد و در مقام تکوین اولیه و الهی نگرش فرد نسبت به خدا، دین و زندگی شناخته شده است. براساس تفاسیر متعدد، این معنا، به‌ویژه از آیهٔ شریفهٔ ۳۰ از سورهٔ مبارکهٔ روم، قابل دریافت است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...»؛ پس روی خویش به سوی دین حق و راستین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.» بر همین پایه، سطحی از نگرش نسبت به خدا، دین و زندگی در مسیر رشد آدمی و در جریان تربیت و آموزش، به‌ویژه در جریان تربیت دینی و ایمانی انسان، شکل می‌گیرد. تربیت دینی فرایندی است که منجر به ساخت نظام ارزشی باورهای متکی بر اصول و انگاره‌های مذهبی می‌شود و عوامل فردی و اجتماعی متعدد و متنوعی در آن نقش‌آفرینی سازنده و مؤثری دارند (شاگری صفت، حاج‌حسینی و خداپاری فرد، ۱۴۰۲، ص ۶). شاید همان‌گونه که در برخی از تفاسیر معاصر آمده است^۱، بتوان این معنا را به‌ویژه در آیهٔ شریفهٔ ۸۴ از سورهٔ مبارکهٔ اسراء، جستجو کرد؛ آنجا که

۱. تفسیر المیزان (علامه طباطبایی) جلد ۱۳ بخش ۱۰.

می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ؛ بگو هر کس بر حسب شاکله خود (خَلَقَ و خوی خویش که اکتسابی است و عادت شده است) عمل می‌کند».

بررسی‌ها و جستجوها نشان می‌دهد که تلاش‌های علمی و پژوهشی در کشور، درباره موضوع ایجاد نگرش مثبت نسبت به سبک زندگی ایمانی در دوره‌های سنی، به‌ویژه دوره نوجوانی و ارائه الگوهای خاص در این زمینه نیز مورد توجه نبوده و در این خصوص، اقدام پژوهشی مشخص و مؤثری صورت نپذیرفته است. برای مثال، تاج‌بخش و موسوی (۱۳۹۳) در پژوهش خود، عوامل مؤثر بر آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان را بررسی کردند و نشان دادند که از میان ابعاد نگرش دینی، میانگین بعد احساسی بالاتر از دیگر ابعاد است و بعد رفتاری و ذهنی در مراتب بعدی اولویت قرار دارند. حسن‌زاده و رنجبر (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین عوامل مؤثر دینی و حالت فراشناختی بر نگرش دینی دانش‌آموزان پرداخته و نشان دادند که بین اعتقاد، احساس و پیامد دینی دانش‌آموزان و وضعیت دینی والدین، رابطه مثبت و معنادار، بین اعتقاد دینی دانش‌آموزان و وضعیت دینی دوستان، رابطه مثبت و معنادار و بین اعتقاد دینی و احساس دینی دانش‌آموزان و استفاده از ماهواره، رابطه منفی و معنادار و استفاده از اینترنت و تلویزیون، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تلاش علمی باقرپور (۱۳۹۷)، ارتباط باورها و نگرش‌های دینی و سبک زندگی اسلامی با عملکرد شغلی معلمان، مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که در جامعه معلمان مورد مطالعه، بین باورها و نگرش‌های دینی و ابعاد آن (اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری) با عملکرد شغلی، بین سبک زندگی اسلامی با عملکرد شغلی و در نهایت بین باورها و نگرش‌های دینی و ابعاد آن با سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن (زمان‌شناسی، امنیت دفاعی، تفکر و علم، سلامت روان، خانواده، مالی، اخلاقی، باورها، عبادی و اجتماعی)، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در پژوهش عرب‌نژاد خانوکی (۱۳۹۷)، از آنجاکه متون اسلامی و متون ادبیات پایداری در راستای هدایت افکار و نگرش‌های تحول‌یافته، مؤثر و موفق دانسته شده‌اند، برای دستیابی به شیوه‌های تغییر نگرش، مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ در نتیجه روش‌های استدلالی، سؤالی، مقایسه‌ای، داستانی، تمثیلی، تأکیدی، ایجاز و تفصیلی (باتوجه به بعد عقلانی انسان)، روش‌های طنز، شکوه، تبشیر و تنذیر، بیان حماسی و عبرت‌آموزی

(باتوجه به بعد عاطفی انسان)، روش‌های اسطوره‌سازی، تقدیس، فراطبیعی جلوه‌دادن امور (با در نظر گرفتن بعد اخلاقی انسان)، روش بیان مزایا (باتوجه به سودجویی و منفعت‌طلبی انسان)، روش مرحله‌ای (باتوجه به ضعف بودن انسان)، روش جدلی (باتوجه به خصیصه مجادله‌گر بودن انسان)، روش اشتراک‌یابی (با اذعان به اجتماعی بودن انسان)، روش موعظه (باتوجه به فراموش‌کار بودن انسان)، ارائه دوسویه اطلاعات (باتوجه به مختار بودن انسان) مناسب تشخیص داده شده و استخراج گردیده و کارآیی آن‌ها برای تغییر نگرش تأیید شده است.

در پژوهش ارشادیان و فروتن (۱۳۹۸)، نگرش دینی در ایران مورد تحلیل اجتماعی و جمعیت‌شناختی قرار گرفت و نشان داده شد که قالب‌های کلی نگرش دینی به‌طور قابل-ملاحظه‌ای متأثر از متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل و تحصیلات است؛ به‌طوری‌که روستائیان بیش‌از شهرنشینان، متأهلان بیش‌از مجردان، بزرگسالان و سالمندان بیش‌از نوجوانان و جوانان، کم‌سوادان و بی‌سوادان بیش‌از افراد با تحصیلات عالی، دارای نگرش دینی قوی‌تر و شدیدتری هستند.

در تلاش علمی خالصی اردکانی (۱۳۹۹)، رابطه بین پیوند والدینی و سبک زندگی اسلامی با نگرش به زندگی دانش‌آموزان دختر، بررسی و نشان داده شد، بین بعد مراقبت پیوند والدینی با نگرش به زندگی دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه، رابطه مثبت معنادار و بین بعد حمایت افراطی پیوند والدینی با نگرش به زندگی آنان، رابطه منفی معنادار و همچنین بین سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن (اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاقی، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، امنیت- دفاعی و زمان‌شناسی) با نگرش به زندگی دانش‌آموزان، رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

در پژوهش پاپی، صفایی مقدم، ولوی و هاشمی (۱۴۰۱)، اصول تغییرات درونی مطلوب در ساحات درونی شخصیت (باورها، احساسات و خواسته‌ها) با به‌کارگیری صورت بازسازی‌شده الگوی استنتاج عمل فرانکنا^۱ شناسایی و احصاء شده است. توجه جدی و فعالانه به فطرت، اعتقاد به معاد، آزادی، مسئولیت‌پذیری، زمینه‌سازی برای تغییر و رشد مطلوب، عبرت‌گیری، تغییر تدریجی و گام‌به‌گام، باور به وجود خدای آگاه

1. Frankena.

(خداباوری)، تکریم شخصیت انسان، به‌کارگیری ابزار معرفت و عاملیت معیارمند از اصول مستخرج در پژوهش مذکور به‌شمار می‌روند.

مرور همین حجم از پیشینه بر این ادعا که فعالیت‌های علمی و پژوهشی در ایران در زمینه ایجاد نگرش مثبت (مناسب و کارآمد) نسبت به سبک زندگی ایمانی، به‌ویژه در دوره سنی نوجوانی، کافی نبوده است، صحنه می‌گذارد. پژوهش‌گران در تحقیق حاضر، پس از تشخیص خلاء پژوهشی موجود، مبتنی بر چارچوب ادراکی خویش، دریافتند که پذیرش سبک زندگی ایمانی و تنظیم نیت، گفتار، رفتار و اعمال بر آن اساس، بیش از هر چیز مستلزم این است که سیاست‌گذاران و در پی آن متولیان امور، به‌ویژه ارکان نظام کلان تعلیم و - تربیت، پیش از هر نوع اقدام ایجابی و سلبی، به جریان (فرایند) ایجاد نگرش در افراد نسبت به این نوع از سبک زندگی و اهمیت آن، به‌ویژه در دوره سنی نوجوانی، به‌درستی واقف شوند و در این خصوص تلاش درست و مؤثری داشته باشند؛ بنابراین بر پایه تجربه زیسته خویش، برش ۱۲ سال تمام تا ۱۵ سال تمام را از دوره سنی نوجوانی مورد ملاحظه قرار دادند که حداکثری دانش‌آموزان دوره متوسطه اول را دربردارد و پاسخ‌دهی به هفت پرسش ذیل را متناظر با اهداف ویژه پژوهش دنبال کردند که در نهایت، منتج به ارائه الگوی ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول نسبت به سبک زندگی ایمانی از نگاه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت شد.

پرسش ۱: مقوله محوری یا مقوله‌های پدیده^۱ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول»، کدامند؟

پرسش ۲: مقوله‌های شرایط علی^۲ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟

پرسش ۳: مقوله‌های زمینه^۳ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟

1. Phenomenon.
2. Causal Conditions.
3. Context.

- پرسش ۴: مقوله‌های عوامل مداخله‌گر^۱ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟
- پرسش ۵: مقوله‌های راهبردها^۲ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟
- پرسش ۶: مقوله‌های پیامدها^۳ در الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» کدامند؟
- پرسش ۷: الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی^۴ است که برای انجام آن از روش «داده‌بنیاد» یا «نظریه مبنايي»^۵ رهیافت نظام‌مند اشتراوس^۶ و کوربین^۷ (1990) استفاده شد. در جامعه مورد مطالعه، افرادی که تجربه مشترکی با موضوع پژوهش داشته باشند و بتوانند اطلاعات سودمندی ارائه نمایند، جستجو شدند و از بین صاحب‌نظران، صاحبان تجربه و دست‌اندرکاران عرصه تعلیم و تربیت تعدادی به روش نمونه‌گیری هدفمند^۸، نظری^۹ و گلوله برفی^{۱۰} و به صورت غیرتصادفی شناسایی و انتخاب شدند و مصاحبه با آن تعداد از ایشان که پذیرفتند با پژوهش همراهی داشته باشند تا رسیدن به اشباع یا کفایت نظری^{۱۱}، یعنی تا

1. Intervening Conditions.

2. Actions / Interactions.

3. Consequences.

4. Qualitative Research.

5. Grounded Theory.

6. Strauss, A.

7. Corbin, J.

۸. هدفمند به این معنا که برحسب موضوع، مسئله و موقعیت پژوهش بتواند گروه‌های هدف اطلاع‌رسان را تعریف کند.

۹. نظری به این معنا که برای رساندن ما به سطح انتزاع نظری و اکتشاف نظریه، از کفایت لازم برخوردار باشد.

۱۰. در این روش، واحدهای نمونه ضمن ارائه اطلاعات درباره خود، درباره واحدهای دیگر از جامعه نیز به پژوهش‌گر اطلاعات ارائه می‌کنند.

11. Theoretical Saturation.

مرحله‌ای که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله‌ها پدید نمی‌آیند، ادامه یافت. در نهایت، تعداد ۱۱ نفر اطلاع‌رسان^۱ در پژوهش مشارکت داده شدند. در زمینه مطالعات کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز از حداکثر پژوهش‌ها، مطالعات، مقالات و کتاب‌های مرتبط به روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد.

«مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته»^۲ که ابزار اصلی گردآوری داده‌های اولیه این پژوهش است، مورد استفاده قرار گرفت؛ علاوه‌براین، تهیه فیش از مطالعات عمیق کتابخانه‌ای و ثبت مشاهدات نیز از دیگر ابزار گردآوری در زمینه داده‌های ثانویه بود که برای تکمیل مبانی جهت‌دهنده، صورت‌بندی مناسب چارچوب ادراکی و تقویت حساسیت نظری در پژوهش‌گران مورد بهره‌برداری قرار گرفت. کوهنو مانیون^۳ (1986) برای فرایند مصاحبه، شش گام را برشمرد: ۱. تعیین هدف، ۲. طراحی، ۳. انجام مصاحبه، ۴. نگارش، ۵. تجزیه و تحلیل و ۶. تهیه و ارائه گزارش از فرایند صورت‌پذیرفته (کریمی و نصر، ۱۳۹۲، صص ۷۵-۷۴). بر همین اساس، ابتدا راهنما و پرسش‌های مصاحبه طراحی و براساس مشورت با اساتید محترم راهنما و مشاور و نیز چند تن از دیگر متخصصان نهایی گردید. تعداد ۸ مصاحبه به صورت حضوری و تعداد ۳ مصاحبه غیرحضوری انجام شد. زمان مصاحبه‌ها متفاوت و این تفاوت، دامنه‌ای بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه را شامل شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل مفهومی^۴ با رویکردی دلالتی، طی مراحل سه‌گانه ۱. کدگذاری باز^۵، ۲. کدگذاری محوری^۶ و ۳. کدگذاری انتخابی^۷ تحقق یافت. نخست، صوت هر مصاحبه بی‌درنگ و پس از انجام آن، شنیده شد و پیاده‌سازی گردید. سپس متن حاصل بارها با دقت مرور شد و طی این رفت و برگشت‌ها، جملات کلیدی ساده و یا مرکبی که در بردارنده مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش بودند و در تعبیر دیگر بر عناصر

-
1. Informant.
 2. Semi-structured & in-depth interview.
 3. Cohen, L. & Manion, L.
 4. Concept Analysis.
 5. Open Coding.
 6. Axial Coding.
 7. Selective Coding.

شش‌گانه در رهیافت نظام‌مند داده‌بنیاد دلالت می‌کردند، شناسایی و به هرکدام یک شناسه و برچسب مفهومی ابتدایی اختصاص داده شد (کدگذاری باز). در گام بعدی، جملاتی که از حیث معنا به هم نزدیک بودند، دسته‌بندی گردید و برچسب‌های مفهومی متناسب و مرتبط جدید تخصیص داده شد؛ سپس این برچسب‌های مفهومی مقوله‌بندی شدند و مفهوم‌پردازی همچنان استمرار یافت و در ادامه، ارتباط بین این مقوله‌ها شناسایی گردید (کدگذاری محوری). در نهایت، الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول»، از نگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در قالب ترسیمی شماتیک، ارائه شد (کدگذاری انتخابی). جدول (۱) بیانگر نحوه کدگذاری باز در این پژوهش است:

جدول ۱. نمونه‌ای از نحوه کدگذاری باز

مفهوم	جملات کلیدی
۱. ایمان	کد ۱ از مصاحبه ۴: براساس مبنای انسان‌شناختی قرآن، میل به خداوند، معنویات، دین و ایمان
۲. فطرت آدمی	ریشه در فطرت آدمی دارد. / کد ۵ از مصاحبه ۴: درونیات و فطرت خداجوی توحیدگرا در آدمی
۳. نوجوان	(نوجوان) در عرصه امر تربیت دینی و ایمانی، علت به حساب نمی‌آید، بلکه زمینه محسوب می‌شود. شاید با تساهل و تسامح بتوان آن را علت معده ^۱ تصور کرد. / کد ۲۴ از مصاحبه ۸: انسان
۴. نوجوان	(نوجوان) میل درونی به معنویات دارد. / کد ۱۴ از مصاحبه ۹: انسان (نوجوان) به‌طور فطری نسبت
۵. خدا	به خدا و دین علاقه‌مند است و در نوجوانی، به‌ویژه در آستانه بلوغ، شاهد پدیدار شدن تمایلات و
۶. نیازهای فطری	نیازهای فطری در این زمینه هستیم. / کد ۱۵ از مصاحبه ۹: حس خداجویی در ابتدای نوجوانی
۷. پدیدار می‌شود	پدیدار می‌شود. / کد ۳ از مصاحبه ۱۰: حس پرسشگری در نوجوانی جوشش دارد، به‌ویژه، پرسش درباره خدا و خود در مقام مخلوق خدا.

برای برآورده شدن روایی و پایایی تحقیق، از شیوه ارزیابی پژوهش‌های کیفی گوبا^۲ و لینکلن^۳ (۱۹۹۴) استفاده شد که چهار معیار را دربردارد. این چهار معیار عبارتند از:

۱. علت‌های معده یا اعدادی وقوع یک واقعه یا حادثه را تقویت می‌کنند و به تعبیری شامل برخی زمینه‌های وقوع‌اند و نسبت آن‌ها با واقعه عینی، نسبت امکان است؛ ولی این نسبت در علت تامه یا ایجاد، نسبت ضرورت است (علم‌الهدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۹).

2. Guba.
3. Lincoln.

۱. اعتبار^۱، شامل فعالیت‌هایی است که احتمال به دست آوردن یافته‌های معتبر و قابل قبول را افزایش می‌دهد و خود چهار عامل را شامل می‌شود: الف) درگیری طولانی مدت و مشاهده مستمر^۲ که از آن با عنوان «غوطه‌وری»^۳ نیز یاد می‌شود، ب) سه‌سویه‌سازی^۴، پ) بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان^۵ و ت) بررسی توسط همکاران^۶؛ ۲. انتقال‌پذیری^۷، ناظر بر کسب نظر و تأیید متخصصان، اعتباریابی از روش‌ها و منابع متعدد و گاهی اوقات از طریق بررسی‌های چندگانه^۸؛ ۳. اطمینان‌پذیری^۹، ناظر بر ثبت و ضبط جزئیات و یادداشت‌برداری در مراحل پژوهش و ۴. تأییدپذیری^۹، ناظر بر نگاهداری مستندات پژوهش (حسنی، طباطبایی، طباطبایی‌چهر و مرتضوی، ۱۳۹۲، صص ۶۶۵-۶۶۴؛ پورسلیم، فتحی و اجارگاه و عارفی، ۱۳۹۶، صص ۲۱-۲۰).

در همین راستا، قابل ذکر است که در گردآوری داده‌ها، سه شیوه^۱ مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای)، ۲. انجام مصاحبه عمیق و ۳. ثبت مشاهدات و تجربیات همزمان مورد ملاحظه قرار گرفت. در مطالعات اسنادی، سه گروه ۱. کتاب‌ها، ۲. مقالات و ۳. پژوهش‌ها در زمینه موضوعات مرتبط با عنوان پژوهش، به‌ویژه موضوع «آسیب‌شناسی تربیت دینی و ایمانی»، مورد توجه بوده‌اند. در انجام مصاحبه عمیق نیز سه گروه: ۱. صاحب‌نظران دانشگاهی، ۲. صاحب‌نظران حوزوی و ۳. دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت که خود دانش‌آموخته سطوح عالی بودند، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، داده‌های کیفی گردآوری شده به شیوه تحلیل مفهومی با رویکردی دلالتی، تحلیل شد. در گام‌های نخست مفهوم‌پردازی، از مجموع ۴۰۶ جمله کلیدی احصاء شده، ۷۱ مفهوم خلق و تولید شد و در ادامه در مرحله‌ای، ۱۰ مفهوم و در گام‌های پایانی، ۹ مفهوم جدید دیگر نیز موجودیت یافتند. با این حساب، عدد مفاهیم

-
1. Credibility.
 2. Prolonged engagement and persistent.
 3. Immersion.
 4. Triangulation.
 5. Member checking.
 6. Peer debriefing.
 7. Transferability.
 8. Consistency or Dependability.
 9. Confirmability.

برساخته از داده‌های کیفی مطالعه ۹۰ بوده است. در این میان، تعداد ۳۰ مفهوم به‌عنوان خرده‌مقوله‌ها، ۴۰ مفهوم به‌عنوان ابعاد یا مقوله‌های فرعی و ۲۰ مفهوم به‌عنوان مقوله‌های اصلی انتخاب شده‌اند. در ادامه، جدول (۲) که گویای فراوانی و توزیع جملات کلیدی و مقوله‌ها است، ارائه شده است.

جدول ۲. عناصر شش‌گانه، جملات کلیدی و مقوله‌ها

ردیف	عنصر	فراوانی در جملات کلیدی	درصد فراوانی در جملات کلیدی	نوع مقوله	فرعی	بعد یا مقوله	مقوله اصلی
۱	پدیده	۱۹	۴/۷	-	-	-	۱
۲	شرایط علی	۲۰	۴/۹	-	-	-	۵
۳	زمینه	۴۴	۱۰/۸	۷	-	-	۱+۲
۴	عوامل مداخله‌گر	۷۸	۱۹/۲	۱۲	-	-	۲+۲
۵	راهبردها	۲۱۹	۵۴	۳۰	۳+۱۰	-	+۴
۶	پیامدها	۲۶	۶/۴	۸	-	-	۲+۱
	جمع	۴۰۶	۱۰۰	۳۰	۳۰+۱۰	-	۱۱+۹

❖ پاسخ به پرسش ۱ (مقوله محوری یا مقوله‌های پدیده در الگو کدامند؟): در فرایند تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و در جریان مفهوم‌پردازی، ۱۹ جمله کلیدی به مفهوم «نگرش به سبک زندگی ایمانی» دلالت نمودند که به‌عنوان پدیده در نظر گرفته شد و در مرکز الگو قرار گرفت. این مفهوم از نوع مقوله‌های اصلی انتخاب شد.

جدول ۳-۱. مقوله‌های پدیده در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

خرده‌مقوله	بعد یا مقوله فرعی	مقوله اصلی
-	-	نگرش به سبک زندگی ایمانی

❖ پاسخ به پرسش ۲ (مقوله‌های شرایط علی در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۲۰ جمله کلیدی، ۵ کد یا برجسب مفهومی به گروه شرایط علی اختصاص داده شد. مفاهیم احصاء‌شده از نوع

مقوله‌های اصلی در نظر گرفته و انتخاب شدند و در واقع ضرورت‌بخش پدیده به حساب می‌آیند.

جدول ۳-۲. مقوله‌های شرایط علی (ضرورت‌بخش) در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	بعد یا مقوله فرعی	خرده‌مقوله
نقش نگرش در شکل‌گیری رفتار	-	-
نقش نگرش در انتخاب سبک زندگی	-	-
تأثیرات متقابل سبک زندگی و هویت فردی، اجتماعی و ملی	-	-
تأثیرات متقابل سبک زندگی و فرهنگ	-	-
ترجیحات سبک زندگی در نگاه اسلام	-	-

❖ پاسخ به پرسش ۳ (مقوله‌های زمینه در الگو کدامند؟): بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، باتوجه به امتیازات روان‌شناختی مترتب بر دوره نوجوانی و پیدایش و بروز اشتیاق و تمایل درونی نسبت به آفریدگار هستی و هویت‌یابی دینی و ایمانی در آن دوره، خود دوره نوجوانی را زمینه مناسبی برای شکل‌گیری نگرش به دین و سبک زندگی ایمانی ارزیابی کردند. آنان تدوین، تصویب و ابلاغ سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و زیرنظام‌های آن را که امکان بازخوانی و روزآمدسازی نیز دارند، به شرط عمل به آن به نحو درست و کامل، مقوله‌ای زمینه‌ای و بسترساز برای ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در نوجوانان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول، معرفی کردند. مبتنی بر ۴۴ جمله کلیدی، ۳ مقوله اصلی و ۷ بعد یا مقوله فرعی در گروه زمینه شناسایی، انتخاب و چینش شدند. راهبردها با ملاحظه این مقوله‌ها و در این بستر قابل پی‌گیری هستند.

جدول ۳-۳. مقوله‌های زمینه در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	بعد یا مقوله فرعی	خرده‌مقوله
توجه به آغاز تحول ایمان	جوشش حس خداجویی	-
فطری در نوجوانی	پدیدار شدن میل به هویت‌یابی اعتقادی	-
توجه به امتیازهای روان‌شناختی نوجوانی	اشتیاق به تنظیم شئونات زندگی برپایه ارزش‌های دینی و ایمانی	-
	شروع استدلال و تفکر منطقی	-
	عرصه تأثیرپذیری	-
	شوق همانندسازی و الگوپذیری	-

مقوله اصلی	مقوله فرعی	خرده مقوله
	میل به استقلال‌گرایی در عین حس نیاز به تعلق‌گروهی	
توجه به اجرای کامل سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش	-	-

❖ پاسخ به پرسش ۴: (مقوله‌های عوامل مداخله‌گر در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۷۸ جمله کلیدی، ۴ مقوله اصلی و ۱۲ بعد یا مقوله فرعی در گروه عوامل مداخله‌گر شناسایی، انتخاب و چینش شدند که به‌نحو مثبت یا منفی بر راهبردها تأثیر می‌گذراند.

جدول ۳-۴. مقوله‌های عوامل مداخله‌گر در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	خرده مقوله
نگرش پیشینی دانش‌آموز نوجوان		-
	کیفیت حضور و فعالیت در فضای سایبری / مجازی	
	کیفیت تنظیم روابط با والدین و سایر اعضای خانواده و تأثیرپذیری از آنان	
	کیفیت تنظیم روابط با گروه همسالان و تأثیرپذیری از آنان	
کنش‌گری دانش‌آموز نوجوان	کیفیت بهره‌مندی از هدایت و برنامه‌های تربیتی عالمان و مبلغان دینی	-
	کیفیت تنظیم روابط با معلمان و مسئولان مدرسه و تأثیرپذیری از آنان	
	کیفیت رژیم رسانه‌ای، بهره‌مندی و تأثیرپذیری از رسانه‌ها	
	تأثیرپذیری از چهره‌های سیاسی-اجتماعی، فرهنگی-هنری و ورزشی	
	رویکرد فرزندپروری والدین و کیفیت تربیت دینی و ایمانی در نهاد خانواده	
	رویکرد و کیفیت تربیتی-تبلیغی نهاد حوزه علمیه	
کنش‌گری دیگران	کیفیت تعامل معلمان، مربیان و دیگر مسئولان مدرسه با دانش‌آموزان	-
	کیفیت تولیدات رسانه ملی (تلویزیون) ناظر بر کارکرد تربیتی-آموزشی	
	رویکرد و کیفیت حکمرانی در فضای سایبری / مجازی کشور	
سطح بهره‌مندی از عدالت اجتماعی و شرایط اقتصادی		-

❖ پاسخ به پرسش ۵ (مقوله‌های راهبردها در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۲۱۹ جمله کلیدی، ۴ مقوله اصلی و ۱۳ بعد یا مقوله فرعی و ۳۰ خرده‌مقوله در گروه راهبردها شناسایی، انتخاب و چینش شدند. راهبردها و راهکارهای احصاء‌شده مرتبط با آنها در الگو، درنهایت، به شکل‌گیری نگرش مثبت به زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول خواهد انجامید.

جدول ۳-۵. مقوله‌های راهبردها در موضوع نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	بعد یا مقوله فرعی	خرده‌مقوله
تدبیر نظری و عملی حکیمانه در تربیت ایمانی	ابتنای تربیت ایمانی بر اصول الهی- عقلانی	مبتنی بر درک درست از مفهوم ایمان و زندگی مؤمنانه
		مبتنی بر درک درست از تربیت و چگونگی نقش‌آفرینی مربی
		مبتنی بر درک درست از جایگاه و چگونگی نقش‌آفرینی متربی
		مبتنی بر به‌رسمیت شناختن حق الهی «پرسش‌گری»
		مبتنی بر به‌رسمیت شناختن موهبت‌های الهی «اختیار» و «عقل»
	مانع‌زدایی از مسیر تحول ایمانی	مبتنی بر توجه لازم به دو اصل «ادراک سودمندی» و «پذیرش»
		توجه همه‌جانبه و عمیق به آمادگی جسمانی
		توجه همه‌جانبه و عمیق به آمادگی روانی
		توجه همه‌جانبه و عمیق به آمادگی عاطفی
		انتخاب درست روش‌ها و ابزار
پرخش‌های هوشمندانه در امر تربیت ایمانی	اتخاذ رویکرد بهره‌ورانه در تربیت ایمانی	به کارگیری درست روش‌ها و ابزار
		باهم‌اندیشی و خردورزی به‌جای تلقین به‌مثابه اختلال در بعد شناختی
	از تک‌گویی و مشی آمرانه به گفتگو و تعامل صادقانه- صمیمانه	هم‌آوایی و همدلی به‌جای اکراه به‌مثابه اختلال در بعد عاطفی
		هم‌گرایی اراده‌ها به‌جای تحمیل به‌مثابه اختلال در بعد ارادی
		تولید محتوای متناسب با نیازها و توانمندی‌ها
	از محتوای منفعل به محتوای فعال	تولید محتوای فعالیت‌محور منطبق با اقتضائات عصر و دوران
		تولید محتوای موقعیت‌آفرین برای تفکر تأملی- انتقادی

مقوله اصلی	بعد یا مقوله فرعی	خرده مقوله
		تولید محتوای فرصت‌ساز برای مدیریت بهینه هوش هیجانی
	از تکلیف انفرادی به تکلیف گروهی	توزیع وظایف در گروه بر پایه تفاوت‌های فردی استقبال از پذیرش داوطلبانه وظایف در گروه
	از ارزیابی یک‌سویه به ارزیابی دو‌سویه	تشویق عمل‌محور از سوی مربی و خودپایی از سوی متربی تنبیه عمل‌محور از سوی مربی و مسئولیت‌پذیری از سوی متربی
	از خودمحوری به هم‌افزایی با شرکای تربیتی	آگاهی‌بخشی به والدین درباره شیوه مطلوب فرزندپروری همیاری با حوزه برای تقویت جذابیت آموزش‌های دینی و ایمانی همیاری با حوزه با هدف مواجهه درست با مسائل نوظهور ارتقای کمی و کیفی تولیدات مشترک در رسانه ملی و فضای مجازی
تبدیل زنگ دینی به زنگ نشاط	بهره‌مندی از بازی‌وارسازی	-
	نمایشنامه‌نویسی و اجرای نمایش	-
الگوسازی و اسوه‌پردازی همراه با الگویی	التزام مربیان به صدق در گفتار و عمل	-
	نکوداشت اسوه‌های دینی و ایمانی	روایت تلاش‌گری اسوه برای کسب حلال روایت مصادیق عملی زندگی اسوه در زمینه ارزش‌های ایمانی
	ترغیب به شناسایی و معرفی مؤمنان موفق در دسترس	مشاهده میدانی و مصاحبه با مؤمنان موفق در زندگی جستجو در آثار منتشرشده از مؤمنان موفق در زندگی

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی.../ اشرف حمیدی و دیگران ۶۹

❖ پاسخ به پرسش ۶ (مقوله‌های پیامدها در الگو کدامند؟): مبتنی بر ۲۶ جمله کلیدی، ۳ مقوله اصلی و ۸ بعد یا مقوله فرعی در گروه پیامدها شناسایی و چینش شدند. عملیاتی شدن راهبردها و راهکارهای مرتبط به پیامدها خواهد انجامید.

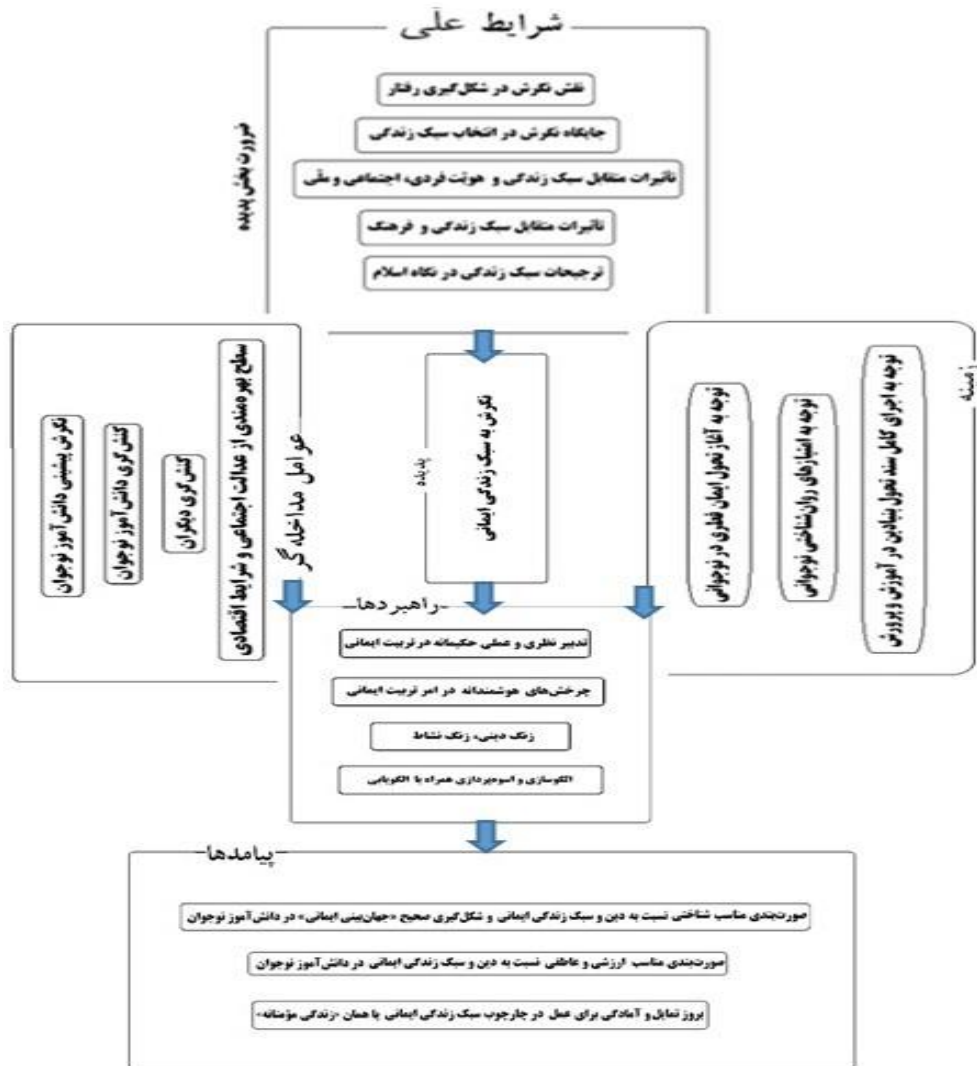
جدول ۳-۶. مقوله‌های پیامدها در موضوع ایجاد نگرش به سبک زندگی ایمانی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	بعد یا مقوله فرعی	خرده‌مقوله
صورت‌بندی مناسب شناختی نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی		-	-
	تقویت حس همدلی و همراهی		-
	تقویت حس امنیت و اعتماد به نفس		-
	تقویت مهارت انتخاب درست		-
صورت‌بندی مناسب ارزشی و عاطفی نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی	تقویت توانمندی نقادی مصلحانه- منصفانه		-
	تقویت توانمندی حفظ آرامش		-
	تقویت مهارت برقراری ارتباط مؤثر		-
	تقویت انگیزه تلاش برای اصلاح خود		-
	ارتقای اعتبار، مجذوبیت و محبوبیت فضاهای تربیتی		-
بروز تمایل و آمادگی برای عمل در چارچوب سبک زندگی ایمانی		-	-

❖ پاسخ به پرسش ۷ (الگوی «ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» چگونه است؟): بر پایه یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش، از نگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، الگوی احصاء شده در شکل کامل خود در قالب ترسیم شماتیک ۹۰ مفهومی قابل ارائه است.

همان‌طور که در جدول (۲) نمایش داده شد، ۳۰ مفهوم در جایگاه خرده‌مقوله‌ها، ۴۰ مفهوم در جایگاه ابعاد یا مقوله‌های فرعی و ۲۰ مفهوم در جایگاه مقوله‌های اصلی نشانده شدند. الگوی احصاء شده نظری- بومی است و در واقع طرح‌واره مفهومی نظام‌مندی است که در آن علت‌های پرداختن به موضوع ایجاد و شکل‌گیری نگرش به سبک زندگی ایمانی به واسطه ارکان نظام کلان تعلیم و تربیت، به‌ویژه آموزش و پرورش، عوامل مؤثر بر آن و همچنین راهبردهایی که به ایجاد و شکل‌گیری نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در

نوجوانان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول می‌انجامد، مورد توجه و ملاحظه بوده است. پژوهش‌گران با ارائه این الگو، تلاش داشته‌اند تا پاسخ‌های مستدل و به نسبت رضایت‌بخشی را برای پشتیبانی نظرورزانه از سیاست‌گذاری و عمل تربیتی در عرصه تربیت دینی و ایمانی ارائه دهند. در ادامه، ترسیمی از الگو به کمک شکل (۱) ارائه شده است.



شکل ۱. الگوی ۲۰ مفهومی (مدل پارادایمی) ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی

بحث و نتیجه گیری

موضوع ایجاد نگرش مثبت (مناسب و کارآمد) به سبک زندگی ایمانی در دوره سنی نوجوانی که به جهت برخورداری از یک سری ویژگی‌های روان‌شناختی ممتاز می‌توان آن را دوره شکل‌گیری نگرش‌ها و در پی آن دوره شکل‌گیری هویت آدمی دانست، حائز اهمیت ویژه‌ای است که ناگزیر بایستی مورد ملاحظه نظام کلان تعلیم و تربیت کشور، به‌ویژه، وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد. بیشتر دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول در رده سنی نوجوانی قرار دارند؛ بنابراین بهبودبخشی کیفیت فرایندهای تربیتی و آموزشی، به‌ویژه در امر تربیت دینی و ایمانی، می‌تواند در این زمینه اثربخشی آن‌ها را بالا برد و متولیان امر مذکور را در تحقق حداکثری اهداف تعیین شده مدد رساند. از آنجاکه پیش از انجام این تحقیق، درباره طراحی و ارائه الگویی مشخص که ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی را در دانش‌آموزان نوجوان دوره متوسطه اول مورد توجه قرار دهد، فعالیتی صورت نپذیرفته است، انجام این مهم و احصاء الگو از منظر صاحب‌نظران، صاحبان تجربه و دست‌اندرکاران در عرصه تعلیم و تربیت ضروری و نوآورانه تشخیص داده شد. در پژوهش کیفی حاضر تحلیل داده‌ها، کدگذاری سه‌مرحله‌ای و مفهوم‌پردازی دلالتی پژوهش‌گران را به ۳۰ خرده‌مقوله و ۴۰ بعد یا مقوله فرعی و ۲۰ مقوله اصلی و استقرار آن‌ها در شش گروه مطرح در رهیافت و چارچوب اندیشگانی^۱ اشتراوس و کوربین (شرایط علی، پدیده، زمینه، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) دلالت داده‌اند. همه مفاهیم نودگانه برساخته از داده‌های پژوهش حاضر، به‌ویژه در گروه راهبردها (که خرده‌مقوله‌ها در آن به‌نوعی راهکارهای مورد تأکید اطلاع‌رسان‌ها و مشارکت‌کنندگان محسوب می‌شوند)، در یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های پیشینی از مؤید برخوردارند. نتایج این تحقیق که در قالب نهایی الگو، بروز و ظهور یافته، به‌ویژه با نتایج پژوهش عرب‌نژاد خانوکی (۱۳۹۷) و همچنین پژوهش پاپی، صفایی مقدم، ولوی و هاشمی (۱۴۰۱) که در مرور پیشینه به آن‌ها پرداخته شد، همسو بوده است.

ناظر بر اهمیت نگرش و تأثیر آن بر اندیشه و رفتار فرد، کد یا برچسب مفهومی «نگرش به سبک زندگی ایمانی»، مقوله محوری یا پدیده برای استقرار در مرکز الگوی

«ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» انتخاب شده است.

نتایج مطالعه‌ای نشان داده است که چنانچه فرد ارتباطات خود را مبتنی بر نگرش فطرت‌گرا به نحوی متعادل تنظیم و رعایت کند، رفتاری اثربخش در جهت توسعه خود خواهد داشت (فرهی بوزنجانی، عابدی جعفری و مهدوی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). این نتایج مؤید درستی انتخاب مقوله «نقش نگرش در شکل‌گیری رفتار» برای گروه شرایط علی می‌باشد. نتایج پژوهشی نشان داده است که ارائه اطلاعات از طریق رسانه‌ها در زمینه سبک‌های زندگی سلامت‌محور، سبب می‌شود تا به‌طور خودکار، ابتدا نگرش‌ها تغییر یابد و سپس اصلاح رفتارها در قالب انتخاب سبک زندگی سلامت‌محور، صورت گیرد و بروز یابد (خاشعی و مهدی‌زاده، ۱۳۹۷، صص ۵۴-۵۱). این نتایج مؤید درستی انتخاب مقوله «نقش نگرش در انتخاب سبک زندگی» برای این گروه است. یافته‌ها و نتایج مطالعه‌ای حکایت از این دارد که سبک زندگی مذهبی در جهت تقویت هویت ملی عمل می‌کند (خواججه‌نوری، روحانی و هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶). همچنین نتایج پژوهشی نشان داد که بین متغیرهای سبک زندگی مذهبی و هویت اجتماعی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (خواججه‌نوری، پرنیان و همت، ۱۳۹۳، ص ۶۹). نتایج مذکور مؤید درستی انتخاب مقوله «تأثیرات متقابل سبک زندگی و هویت فردی، اجتماعی و ملی» در گروه شرایط علی می‌باشند. مطالعه‌ای به واکاوی رویکرد اسلام به هویت، فرهنگ و سبک زندگی و بررسی رابطه آن‌ها در زمینه جهانی‌شدن پرداخته و تأثیرات متقابل سبک زندگی و فرهنگ را تبیین و تأیید کرده است (التیامی‌نیا و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹) که بر درستی انتخاب مقوله «تأثیرات متقابل سبک زندگی و فرهنگ» در این گروه صحه می‌گذارد. پژوهشی دیگر نشان داده است که سبک زندگی دارای سه لایه شناختی، گرایشی و رفتاری است و درست در تعامل همین سه لایه است که سبک زندگی اسلامی با غیر آن متفاوت می‌شود. تفاوت سبک زندگی اسلامی و غیر اسلامی در مبنای ترجیحات و تمایلات است (یوسف‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۳). این نتیجه مؤید درستی انتخاب مقوله «ترجیحات سبک زندگی در نگاه اسلام» برای گروه شرایط علی است. مقوله‌های پنج‌گانه برشمرده که برای گروه شرایط علی انتخاب شده‌اند، همگی بر اهمیت و ضرورت توجه لازم و کافی آموزش و پرورش و

شرکای تربیتی آن به پدیده «نگرش به سبک زندگی ایمانی»، به ویژه طی فرایند تربیت دینی، تأکید دارند.

از آنجاکه دوره سنی نوجوانی در بردارنده امتیازات روان‌شناختی است و بر پایه آموزه‌های دین اسلام، سرآغاز تحول ایمان فطری به‌شمار می‌رود، از نگاه صاحب‌نظران مشارکت‌کننده در این پژوهش، دوره آموزشی متوسطه اول که بیشتر جمعیت دانش‌آموزی شاغل به تحصیل در آن را نوجوانان ۱۲ سال تمام تا ۱۵ سال تمام تشکیل می‌دهند، خود زمینه مناسبی برای شروع شکل‌گیری نگرش نسبت به سبک زندگی ایمانی محسوب شده است. آن‌ها همچنین معتقد بودند که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و زیرنظام‌های آن نیز زمینه‌های مناسبی در این عرصه فراهم کرده است. در یک مطالعه، اذعان شده است که در دوران نوجوانی و هم‌زمان با بیدار شدن غرایز و نیازهای روانی، وجدان دینی و اخلاقی نیز در درون نوجوان بیدار و فعال می‌شود و او را به تفکر درباره معنویات و حقایق دینی، از جمله وجود قادر متعال و پروردگار هستی، وا می‌دارد. به‌همین علت، یکی از نیازهای اصیل نوجوانان نیازها و انگیزه‌های دینی و الهی و در رأس آن خداجویی است (رمضان‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۶).

صاحب‌نظران اطلاع‌رسان در این پژوهش، کیفیت کنش‌گری دانش‌آموز نوجوان و میزان تأثیرپذیری وی از عوامل پیرامونی و نیز کنش‌گری و تأثیرات دیگران (خانواده، مدرسه، حوزه علمیه، رسانه‌ها، چهره‌ها و گروه همسالان) و شرایط اقتصادی را از نظر دور نداشته و نگرش شکل‌گرفته پیشینی را در نوجوان حائز اهمیت دانسته‌اند. گائو^۱، اтім^۲ و ایگودی^۳ در مطالعات خود، نشان دادند که تأثیرپذیری نوجوان از شیوه‌های درست تربیتی خانواده و کنش‌گری همسوی او در کاهش تأثیر گروه همسالان بزهکار و رفتارهای بزهکارانه تأثیر مثبت دارد (ظهیری و هنرپروران، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

مشارکت‌کنندگان در پژوهش همچنین اذعان داشتند که چنانچه در زمینه مفروض، عملکرد عوامل مداخله‌گر از همسویی و در تعبیری کامل‌تر، از هم‌افزایی لازم برخوردار باشند، اثربخشی آن‌ها بیشتر و بالاتر خواهد بود و موانع بیشتری از مسیر تربیت، به‌ویژه

1. Gao.
2. Etim.
3. Egodi.

تربیت دینی و ایمانی، برداشته خواهد شد و بستر بهتری برای شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به دین و سبک زندگی ایمانی در دانش‌آموزان نوجوان شاغل به تحصیل در دوره متوسطه اول، فراهم خواهد شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که مقوله‌های گروه عوامل مداخله‌گر در تسهیل‌گری، سرعت‌دهی یا حتی مانع‌تراشی و کاهش سرعت تحقق اهداف راهبردهای انتخابی و راهکارهای مربوط به آن‌ها در این عرصه، نقش بسزایی دارند.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر اتخاذ تدابیر نظری و عملی اثربخش در تربیت ایمانی، تأکید داشتند که در برچسب مفهومی تخصیصی به آن، لفظ حکیمانه نیز انتخاب و به کار گرفته شد؛ چراکه مفاهیمی چون ابتدای تربیت ایمانی بر اصول الهی-عقلانی (که درک درست از ایمان، مربی و متربی و به رسمیت شناختن موهبت‌های الهی عقل و اختیار و حق الهی پرورش‌گری در آدمی را سرلوحه خود دارد)، مانع‌زدایی از مسیر تحول ایمانی و اتخاذ رویکرد بهره‌ورانه در امر تربیت دینی، ریشه در حکمت عقلانی-و حیانی دارند. آنان در همین راستا، اظهار داشتند که راهبردها و راهکارهای مرتبط با آن‌ها که توسط سیاست‌گذاران نظام کلان تعلیم و تربیت اتخاذ و عملیاتی می‌شوند، بایستی به درستی انتخاب شوند و باید توجه داشت که تلاش برای پیاده‌سازی درست آن‌ها در عمل، نتایج مطلوبی در پی خواهد داشت و در غیر این صورت، حاصل کار جز خسارت و زیان نخواهد بود. در پژوهشی اظهار شده است که توجه به بعد عقلانی در بشر و تلاش در راستای پرورش خرد، ارتقای معرفت و رسیدن به بصیرت از اهداف حضرات معصومین (علیهم السلام)، تأویل‌کنندگان و مفسران اصلی کتاب هدایت قرآن، بوده است که ایشان برای نائل شدن به این مهم، برخی اصول و روش‌هایی را پیشنهاد داده‌اند که مربیان می‌توانند با بهره‌گیری از آن‌ها برای خود و متربی مسیر همواری را مهیا سازند (صفری، ۱۳۹۵، ص ۸۵).

چرخش‌های درست و مؤثر در امر تربیت ایمانی نیز که در مفهوم‌پردازی، صفت هوشمندانه، برای آن انتخاب شد؛ از جمله، چرخش از محتوای منفعل به محتوای فعال، از ارزیابی یک‌سویه به ارزیابی دوسویه، از تک‌گویی و مشی آمرانه به گفتگو و تعامل صادقانه-صمیمانه، از تکلیف انفرادی صرف به تکلیف گروهی و از خودمحوری به هم‌افزایی با شرکای تربیتی، مورد توجه و تأکید صاحب‌نظران بود.

ناظر بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، می‌توان گفت که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعریف فعالیت‌های میدانی در امر تربیت دینی و ایمانی، باید با این ملاحظه صورت پذیرد که جریان پیدایش و شکل‌گیری نگرش دانش‌آموز نوجوان نسبت به مقوله‌های دین، ایمان و سبک زندگی ایمانی، هم‌راستا با فطرت او استقرار و استمرار یابد تا درنهایت، نوجوان با ادراک سطحی از سودمندی نسبت به دین و سبک زندگی متناسب با آن، بتواند با اتکا به نگرش شکل‌گرفته که با عنوان نگرش مثبت، مناسب و کارآمد از آن یاد می‌کنیم، برای زندگی خود انتخاب درستی داشته باشد. بر همین اساس، به‌ویژه تبدیل کلاس و زنگ درس دینی به زنگ نشاط با بهره‌مندی از روش‌هایی چون بازی‌وارسازی، نمایشنامه‌نویسی و اجرای نمایش در کلاس درس دینی و توجه همزمان به الگوسازی عینی (که در عمل مربیان و معلمان قابل مشاهده است)، اسوه‌پردازی (که باید در تولید محتوا ملاحظه شود) و الگویابی (که باید در فعالیت‌های درسی و کلاسی مورد توجه باشد) از سوی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، تأکید و توصیه شده است. شواهد و مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد که در جریان تربیت و یادگیری به‌طور معمول، آنچه با ناراحتی همراه باشد یا موجب پیدایش اضطراب شود، زودتر به فراموشی سپرده می‌شود. در مقابل آن، هرآنچه با خوشحالی و شادمانی همراه است، بهتر در خاطر می‌ماند (شریف‌زاده: ۱۳۹۱، ص ۱۰۵).

همان‌طور که پیش از این بیان شد، عنصر عاطفی نگرش در بین عناصر سه‌گانه و همچنین خصلت ارزشیابانه بودن آن حائز اهمیت بیشتری است و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، به‌ویژه در امر تربیت دینی و ایمانی، باید بر این نقاط تمرکز و دقت بیشتری داشته باشند و ظرافت عمیق‌تری را به منصه ظهور برسانند؛ چراکه تربیت دینی و ایمانی و نگرش دانش‌آموز نوجوان به دین و سبک زندگی ایمانی بر یکدیگر به شدت مؤثرند. با وجود تدوین، تصویب و ابلاغ اسناد تحولی در آموزش و پرورش کشور، مشاهدات حاکی از این است که به‌نحو شایسته و بایسته به «دانایی مسئولانه»، به‌ویژه در زمینه تربیت دینی و ایمانی، توجه نشده است. در این بین، به‌خاطر سپردن و حفظ محتویات نه‌چندان سودمند بر پایه اصل نمره‌گرایی در طول تعلیم و تربیت رسمی عمومی و در سال‌های انتهایی آن توجه به مهارت‌هایی برای موفقیت در آزمون کنکور، همچنان گریبان‌گیر دانش‌آموزان است.

ازسوی دیگر، آنچه که تاکنون نیز همسو با اسناد تحولی، به ویژه در بخش تولید محتوا و روش‌ها، به کار گرفته شده، در حدّ مطلوب، اثربخشی نداشته است. برای مثال در زمینه پرورش تفکر و آموزش مهارت‌های پژوهش‌گری و تحقیق، موقعیت‌ها و فضاهایی که در مدرسه و کلاس درس ایجاد شده و می‌شوند، بیشتر به سرگرم ساختن اذهان جست‌وجوگر ذینفعان (دانش‌آموزان) به مفاهیمی کلی و شبه‌فلسفی می‌پردازند. توسل به شیوه‌های نادرست و روش‌های غیرمؤثر در زمینه‌های تربیتی، به ویژه در عرصه تربیت دینی و ایمانی نیز همچنان به گونه‌ای آسیب‌زا نقش‌آفرین است. در پژوهش حاضر، این مطلب تأیید شده است که لزوم و ضرورت نوآوری در تربیت دینی و ایمانی از مباحثی است که با نگرش و گرایش‌های فطری انسان تطابق حداکثری دارد. این مهم با الهام از روش تربیتی قرآن کریم و سیره حضرت معصومین (علیهم‌السلام) دست‌یافتنی است؛ به گونه‌ای که حتی مطالب آشنای دینی هنگامی که در قالب‌های نوآورانه عرضه شوند نیز موجب ایجاد و افزایش انگیزه در ذی‌نفع، تعمیق یادگیری و حتی تغییر رفتار خواهند بود (رضاداد، صالحی و موسوی، ۱۴۰۰، صص ۸-۹).

از آنجا که بخش عمده و اساسی جریان شکل‌گیری و تکوین نگرش نسبت به سبک زندگی ایمانی در دوره نوجوانی و در مسیر تربیت و تحول ایمانی، صورت تحقق می‌پذیرد، بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر اهمیت نقش نگرش پیشینی نوجوان شاغل در دوره متوسطه تأکید داشته‌اند. این نگرش در دوران کودکی و در جمع خانواده و دبستان شکل گرفته است؛ اما شاهد هستیم که تحلیل داده‌های کیفی راهبرد مشخصی که متوجه این مهم باشد، ارائه نداده است. چنانچه خواسته باشیم تا بر فرایند شکل‌گیری نگرش نوجوان نسبت به دین، ایمان و سبک زندگی ایمانی تأثیر سوئی نداشته باشیم و به تعبیری دیگر، اگر قصد مطلوب ما این است تا فضایی فراهم شود که این نگرش به نحو مناسبی شکل گیرد، نخست باید برای سنجش دقیق نگرش پیشینی نوجوان، تدابیر لازم را بیندیشیم. باید دقت داشت که راهکارها به گونه‌ای انتخاب شوند که فرایند سنجش نزد ذی‌نفع به صحنه بازپرسی و امری مداخله‌گرانه در حریم شخصی و خصوصی، حس و تعبیر نشود؛ بنابراین در این بین، بیش از هر چیز، نیازمند ابزار و روش‌های مناسب سنجش هستیم. براساس نتایج پژوهش حاضر و با عنایت به فقر پژوهشی محسوس در زمینه

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی.../ اشرف حمیدی و دیگران ۲۷

سنجش متغیر «نگرش به سبک زندگی ایمانی در دوره نوجوانی»، پیشنهاد می‌شود که در این خصوص، به‌ویژه در ارتباط با طراحی ابزار و اتخاذ روش‌های مناسب سنجش، پژوهش‌های لازم انجام گیرد و کاربست نتایج آن‌ها در دوره متوسطه اول مورد توجه جدی باشد.

آگاهی‌بخشی و تقویت مهارت‌های تربیتی و فرزندپروری در پدران و مادران نیز مورد توجه صاحب‌نظران اطلاع‌رسان در این پژوهش بوده که در بخش راهبردهای، الگو ظهور یافته است. بر پایه نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که این مهم، به‌ویژه در سایه تعامل نهاد خانواده با دو رکن دیگر نظام کلان تعلیم و تربیت، یعنی آموزش و پرورش و رسانه ملی (تلویزیون)، دنبال شود و برنامه‌ریزی و اجرای مشارکتی آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم فرزندپروری خاص خانواده در قالب‌هایی نوآورانه مورد توجه جدی قرار گیرد؛ تولید محتوای مورد نیاز و تأمین کارشناسان و مدرسان را می‌توان به آموزش و پرورش سپرد. بخش عمده‌ای از این محتواهای تولیدی را می‌توان در قالب‌های متنوع جذاب و اثربخش رسانه‌ای (فیلم، نمایش، سریال، پویانمایی و مسابقات تلویزیونی و یا برنامه‌های ترکیبی) در رسانه ملی (تلویزیون) ارائه داد و بهتر آن است که تولید برنامه‌های مذکور حتی الامکان در صحن مدارس اتفاق بیفتد. همچنین استفاده از پدران و مادرانی که پیش‌ازین، خود آموزش‌های لازم را دیده‌اند، برای آموزش دیگر والدین، به جد، توصیه می‌شود.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- اسدی مله‌خان، سید عباس و علیرضا حسینی پاکدهی (۱۳۹۴). "نگرش مخاطبان به دیجیتال شدن شبکه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران". *مطالعات رسانه‌های نوین*، (۲)، ۵۷-۳۲.
- ارشادیان، مینا و یعقوب فروتن (۱۳۹۸). "تحلیل اجتماعی و جمعیت‌شناختی نگرش دینی در ایران". *مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، (۱)، ۱۰-۱۹۴-۱۷۱.
- التیامی‌نیا، رضا و علی حسینی (۱۳۹۴). "هویت، فرهنگ و سبک زندگی اسلامی در عصر جهانی شدن". *الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، (۵)، ۱۴۱-۱۰۹.
- باقرپور، معصومه (۱۳۹۷). "ارتباط باورها و نگرش‌های دینی و سبک زندگی اسلامی با عملکرد شغلی معلمان مقطع ابتدایی". *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، (۱۱)، ۶-۱۱۰-۹۳.

پاپی، سمیه؛ مسعود صفایی مقدم؛ پروانه ولوی و سیدجلال هاشمی (۱۴۰۱). "الگوی درونی تغییرات مطلوب بر پایه قرآن کریم: استنتاج اصول تربیتی". مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۷(۲) (پیاپی ۲۳)، ۷-۳۱.

پورسلیم، عباس؛ کورش فتحی واجارگاه و محبوبه عارفی (۱۳۹۶). "طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران: مدلی برآمده از نظریه داده بنیاد". اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۳(۳)، ۷-۳۵.

تاج‌بخش، غلامرضا و عباس موسوی (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی و نگرش دینی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر سوسنگرد)". توسعه اجتماعی، ۸(۳)، ۱۱۹-۱۱۴.

جباران، محمدرضا (۱۳۹۴). "تحلیل مفهومی سبک زندگی". قبسات، ۲۰(۷۵)، ۱۷۳-۱۸۷.
حبیبی، حمداله؛ فیروز محمودی و محمد منصورزاده (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات در بین دانشجویان براساس الگوی پذیرش فناوری ۳". راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۹(۵)، ۳۷۰-۳۵۷.

حسن‌زاده سورشجانی، رضا و یوسف رنجبر سودجانی (۱۳۹۴). «رابطه بین عوامل مؤثر دینی و حالت فراشناختی بر نگرش دینی دانش‌آموزان پایه ششم». تهران: کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.

حسینی، پرخیده؛ امیر طباطبایی؛ محبوبه طباطبایی چهر و حامد مرتضوی (۱۳۹۲). "راهبردهایی برای ارتقاء دقت علمی در تحقیقات کیفی". مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ۵(۳)، ۶۶۳-۶۷۰.

حسینی‌نسب، سید داود (۱۳۷۶). "انواع علائق در دوره نوجوانی". نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید (۱)، ۴۱-۵۶.

خاشعی، رضا و سیدمحمد مهدی‌زاده (۱۳۹۷). "نقش رسانه‌ها در انتخاب سبک‌های زندگی سلامت‌محور (با تأکید بر مصرف رسانه‌ای شهروندان شهر تهران)". پژوهش‌های ارتباطی، ۲۵(۲) (پیاپی ۹۴)، ۵۱-۷۸.

خالصی اردکانی، اکرم (۱۳۹۹). «بررسی رابطه بین پیوند والدینی و سبک زندگی اسلامی با نگرش به زندگی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر اردکان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی محمد اخوت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.

الگوی ایجاد نگرش مثبت به سبک زندگی ایمانی.../ اشرف حمیدی و دیگران ۷۹

- خواججه‌نوری، بیژن؛ لیلا پرنیان و صغری همت (۱۳۹۳). "مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندر عباس)". *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷(۱)، ۶۹-۹۴.
- خواججه‌نوری، بیژن؛ علی روحانی و سمیه هاشمی (۱۳۸۹). "سبک زندگی و هویت ملی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز)". *مطالعات ملی*، ۱۱(۴۴)، ۱۵۲-۱۲۷.
- رضاداد، علیّه؛ منیره صالحی و مهسا موسوی (۱۴۰۰). "تحلیل محتوای کتاب درسی آموزش قرآن، هدیه‌های آسمان و محتوای سامانه شاد به‌لحاظ توجه به بازی و بازی‌وارسازی". *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۶(۳) (پیاپی ۲۰)، ۳۶-۷.
- رضائیان، علی (۱۳۹۵). «مدیریت رفتار سازمانی». تهران: انتشارات سمت.
- رمضان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴). "آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی کشور". *کنفرانس بین‌المللی مدیریت (اقتصاد و علوم سیاسی)*، استانبول، ترکیه.
- شریف‌زاده، حکیمه‌السادات (۱۳۹۱). "تلویزیون و تربیت دینی کودکان". *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*، پیش‌شماره ۲، ۱۱۰-۹۲.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۴). «سبک زندگی اسلامی-ایرانی». تهران: آفتاب توسعه.
- شاکری‌صفت، فاطمه؛ منصوره حاج‌حسینی و محمد خدایاری‌فرد (۱۴۰۲). "همایندی ادراک دانش‌آموزان درباره نقش متوازن خانواده و مدرسه در تربیت دینی: پژوهشی پدیدارشناختی". *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۱(۲۰)، ۳۳-۵.
- شیرکوند، شهرام (۱۳۸۳). "شکل‌گیری و تغییر نگرش". *توسعه مدیریت*، ۵(۷)، ۲۰-۱۶.
- صفری، علی‌آقا (۱۳۹۵). "الگوی تربیت عقلانی در روایات". *مطالعات حدیث‌پژوهی*، ۱(۲)، ۸۸-۶۵.
- طاهرزاده قهفرخی، سجاد و احسان سایه‌میری (۱۴۰۰). "بررسی تغییرات مختلف جسمانی، شناختی و اجتماعی دوره نوجوانی از دیدگاه‌های مختلف و مشکلات و اختلالات روانی این دوره". *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۳)، ۲۶-۱.
- ظہیری، مژگان و هنرپروران، نازنین (۱۳۹۵). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان شهر اصفهان سال ۱۳۹۴. *مجله سلامت جامعه*، ۱۰(۴)، ۳۸-۴۶.
- عرب‌نژاد خانوکی، فاطمه (۱۳۹۷). «روش‌شناسی ایجاد تغییر نگرش و رفتار متریبان با توجه به متون اسلامی و متون ادبیات پایداری». رساله دکتری، استاد راهنما: سیدحمیدرضا علوی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

علم الهدی، جمیله (۱۳۹۸). «نظریه اسلامی رشد انسان». تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

فرهی بوزنجانی، برزو؛ حسن عابدی جعفری و موسی مهدوی (۱۳۸۷). "طراحی و تبیین الگوی منابع انسانی استادان دانشگاه مبتنی بر نگرش فطرت‌گرا و توسعه ارتباطات چهارگانه". پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ۱(۱)، ۱-۵۰.

قنبری، سیروس و ایمان کریمی (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر ICT بر پذیرش اثربخش فناوری اطلاعات". چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۳۰(۳)، ۹۷-۱۱۵.

کریمی، صدیقه و احمدرضا نصر (۱۳۹۲). "روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه"، پژوهش، ۴(۱) (پیاپی ۷)، ۷۱-۹۴.

کریمی، یوسف (۱۳۷۹). «نگرش و تغییر نگرش». تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

نظری پشت‌کوهی، محمد و عیسی باقری (۱۴۰۲). "کارکرد نگرش توحیدی بر سبک زندگی از منظر نهج‌البلاغه"، تهران: یازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.

یوسف‌زاده، حسن (۱۳۹۷). "مؤلفه‌های سبک زندگی با تأکید بر دیدگاه اسلامی". مطالعات فرهنگی-اجتماعی حوزه، ۲(۴)، ۳۳-۵۶.

یوسفی، فرزانه و مهشید تجربه‌کار (۱۳۹۵). "نگرش و تغییر نگرش". تهران: مؤسسه آموزش عالی مهراروند، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

Borgonovi, F. & Pokropek, A. (2018). *The role of education in promoting positive attitudes towards migrants at times of stress*. Joint Research Centre, the European Commission's science and knowledge service, doi:10.2760/321350.

Jain, Vishal. (2014). 3D Model OF Attitude. *International Journal of Advanced Research in Management and Social Sciences*, 3(3), pp 1-12.

Kim, Myung Ja & Hall, C. Michael & Kwon, Ohbyung & Sohn, Kwonsang. (2024). Space tourism: Value-attitude-behavior theory, artificial intelligence, and sustainability. *Journal of Retailing and Consumer Services*, (77), <https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2023.103654>.

Verma, M. H. (2008). *Learner's attitude and Its impact on language Learning*. International conference: Language Issues in English-medium Universities: A Global Concern, Hong Kong.